



(ترجمه)

از زمانی که غرب کافر خلافت اسلامی-سرپناه و چتری که مسلمانان در سایه‌اش زندگی می‌کردند- را در سال ۱۹۲۴م از بین برد، هم‌چنان به دنبال جلوگیری از شکل‌گیری قوای امت و قیام دوباره‌ی آن شدند، از آن زمان بدین‌سو، قدرت‌های سمبولیک سیاسی را ساخته و تمام اسباب تسلط و حاکمیت آنان را بالای امت اسلامی فراهم و نظام زندگی بشری را طوری طرح نمود که باعث تأخیر بیداری فکری، فرهنگی و سیاسی امت شد. غرب به این هم اکتفاء نکرد؛ بلکه همیشه در تلاش بود تا مهار هر جنبش ناشی از احساسات اسلامی را به دست آورد تا مبادا به عواقب وخیم آن دچار شود. مدت‌هاست که این وضعیت در حال خود باقی بوده و مسلمانان با هویت مجهول زندگی خویش را به سر می‌برند. فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌های این نظام‌ها جای پای مستحکمی را که باید بر آن استوار بایستند، گم کرده‌اند و تمامی این اسباب و وسایل صرفاً به منظور جلوگیری از بیداری مسلمانان در نظر گرفته شده است.

وضعیت مسلمانان از این هم بدتر می‌باشد، طوری که مسلمانان زیر چتر این نظام‌های سمبولیک قلع و قمع شده، یا در سیاه چال‌های زندان‌ها از بین می‌روند و یا هم در رعب، وحشت، فشار، سرکوبی و... زندگی می‌کنند، تا جایی که وضعیت بد مسلمانان-هرکسی که خواب تغییر را در سر دارد، ناگزیر با چنین سرنوشت دچار خواهد شد- چنین پیامی را همراه دارد. دهه‌ها می‌گذرد که مسلمانان به این حالت تن داده و سرانجام ضرب‌المثل‌های؛ مانند: دیوارها گوش دارند، این مانند راه رفتن روی تناب باریک است، الله متعال خودش به داد ما برسد... آنان را به پذیرفتن ستمگران و به زندگی کردن تحت تازیانه‌ی جلادان فرا می‌خواند که بسیاری تصور می‌کنند، این امت دیگر هرگز جنبش و قیام را نخواهد داشت و مسلمانان به زندگی تحقیرآمیز و به خوردن پس خورده‌ی خیرات دیگران عادت کرده‌اند.

غرب کافر برای دستیابی به چنین هدفی از هر نیرو و توان کار گرفته و به هر وسیله‌ی متوسل می‌شود تا مطمئن شود که مسلمانان دیگر نظم نیافته و چیزی باعث وحدت و یک‌پارچه‌گی آنها نمی‌تواند شود؛ اما به طور معمول به اسباب و وسایل بشری تکیه کرده از تدبیر خالق کائنات، انسان و حیات غافل‌اند؛ زیرا هر آن‌چه که اتفاق افتاده به زودی سبب قیام امت علیه جلادان آن شده و هر بار بیشتر از قبل باعث مستحکم شدن اراده‌ی امت برای بازپس‌گیری حقوق‌شان می‌شود. غرب کافر با آرایش چهره‌ی نظام‌های کنونی در تونس، لیبیا، یمن، مصر و غیره توانست مسلمانان را فریب داده، انقلاب‌های‌شان را به یغما ببرد. غرب بعد از آن‌ها گمان کرد که طوفان دیگر تمام شده و احساس کرد که از این ناحیه راحت شده‌اند؛ اما الله

سبحانه و تعالی مکرش را به خودش باز گرداند، از جایی که اصلاً گمانش را نداشت، انقلاب دیگری را راه اندازی نمود، انقلابی که غرب و مزدورانش در مقابل آن سر تسلیم فرو برده و از مهارش عاجز مانده اند.

در ماه مارچ ۲۰۱۱م انقلاب شام شعله ور شد؛ اما در آغاز مانند انقلاب های دیگر یک جنبش غریزوی و مبتنی بر احساسات بود که هدف خاصی را دنبال نمی کرد و بر هویت خاصی استوار نبود، تنها نیاز مردم را به آزادی و کرامت انسانی و زندگی خوب، شعار می داد. با گذشت سال ها این انقلاب مبارک اصول و چوکات مشخص را به خود گرفته و به پخته گی خود رسید که خواسته های دیگری را ارائه نمود؛ مانند: سرنگونی نظام از اساس اش، کنار رفتن مسئولین کلیدی نظام، پایان یافتن نفوذ غرب در سوریه و بقیه سرزمین های اسلامی.

چنین بود که انقلابیون شام اساسات راه نجات خویش را ترسیم نموده و بدیلی را برای نظام خون خوار بشار اسد، مزدور امریکا، به دست آورده اند؛ لیکن در مقابل، کفار و مزدوران شان دور هم گرد آمده و با تمام قدرت برای تحمیل برنامه ی سیکولری خود بر انقلابیون شام تلاش نموده اند؛ تعدادی از نظامیان و سیاسیون را در خدمت گرفته و آن ها را مانند غده های سرطانی بر بدنه انقلاب ساخته اند که خواستند توسط آن ها انقلاب شام را منحرف ساخته و مهار نمایند. کینه توزی غرب و مزدورانش در پول ها و برنامه های زهر آگین سیاسی شان و در کنفرانس های ناکارای شان در ژینوی اول، آستانه، ریاض، سوتشی و ژینو دوم به شکل واضحی بارز می باشد. غرب در مورد انقلاب شام بیش از هشت نشست را برگزار نموده اند که انگیزه ی اساسی نشست های شان جزء هدر دادن قربانی ها و شکست دادن انقلاب شام، چیزی دیگری نبود.

کنفرانس ژینو نشست هشتم آن ها، میان نمایندگان خون خوار شام و مخالفان سیاسی امریکا در حالی برگزار شد که معلوم نبود بر انقلابیون شام چه می گذشت، که در آن جا قتل عام مردم بی گناه غیر قابل تصور بود، حتک حرمت های ناموسی، موی را از بدن جدا می ساخت، مردم بومی بسیاری از مناطق آواره و ساکنین جدیدی جایگزین آن ها می شدند، در هر منطقه ای که نیروهای بشار اسد وارد می شدند، بر ساکنین آن منطقه ترس و وحشت فرود می آمد. این همه جنایات در زمان برگزاری کنفرانس مذکور توسط مخالفین سیاسی امریکا انجام شد؛ مخالفینی که هیچ چیزی را برای سرپوش گذاشتن برخیا نت ها و جنایات خود ندارند. بناً شایسته نیست، در مورد آن ها باید چنین گفت: این ها کسانی اند که خود را در آغوش امریکا انداخته اند.

شاید کسی که به نگاه سطحی و مادی به واقعیت انقلاب شام می نگرد، چنین گمان کند؛ به توطئه ای که کفار برای ما چیده اند، اطاعت نکردن و گوش ندادن به آن ها اجتناب ناپذیر است؛ مگر این که الله سبحانه و تعالی خود گشایشی را فراهم کند؛ لیکن بر واقعیت انقلاب شام باید از زاویه ی ایمانی نگریست؛ زیرا چنین نگاه همانا نگاه اساسی و واقعی بر انقلاب شام می باشد؛ چون الله سبحانه و تعالی پیروزی را سرانجام برای مؤمنین وعده داده است. واقعیت امور در دستان الله سبحانه و تعالی است، او سبحانه و تعالی توان این را دارد که در یک چشم برهم زدن وضعیت را تغییر دهد؛ اما به مقتضای حکمتش، ما نیز باید در صدد تغییر خود بر آمده تا الله سبحانه تعالی وضعیت ما را تغییر دهد، و نیز ما باید بر این باور و یقین باشیم که نصرت تنها از آن الله سبحانه و تعالی بوده و او گرد آورنده ی اسباب و موجبات آن می باشد. ما باید به حتمی بودن نصرت الله سبحانه و تعالی و این که هر چه او بخواهد انجام شدنی است، یقین داشته و مطمئن باشیم.

شما برادران ما در شام، بدانید که وعده ی الله سبحانه و تعالی از انقلاب مبارک شام نزدیک است، از او سبحانه و تعالی می خواهیم که این انقلاب امت را به پایان خیرش رسانده و بهائی این هفت سال خشک و خشین را به سال های بارانی و پر خیر مبدل ساخته و سال های نجات از فجایع و مشکلات نصیب امت گردد.

مسئولیت ما این است که از مسیرمان منحرف نشده، از امور مخالف دستورات الله سبحانه و تعالی پرهیز و بر هدایت الله سبحانه و تعالی ثابت قدم باشیم؛ حتی اگر این مسیر قربانی های زیادی را از ما بگیرد تا این که ما به فرمان الله سبحانه و تعالی باشیم و نصرتش را برای ما اعطاء فرماید، آن وقت

است که ما از جمله‌ی پیروز شده‌گان دنیا و آخرت می‌باشیم. پناه می‌جوییم به الله سبحانه و تعالی از این‌که ما در عوض، ستم‌گران را پذیرفته و زندگی زیر چتر آن‌ها را اختیار کنیم، از الله سبحانه و تعالی روی برگردانده و او سبحانه و تعالی از ما روی برگرداند و در نتیجه بدبختی دنیا و عذاب آخرت نصیب‌مان شود.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾

[طه: ۱۲۴]

ترجمه: و هر کس از من روی برگرداند، در حقیقت زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.

نویسنده: عبدالدلی

۱ ربیع الثانی ۱۴۳۹ هـ.ق

۲۰ دسمبر ۲۰۱۷ م